

تحول، تدریجی و مستمر است

محمد رضا حشمتی

چرا ویژه‌نامه؟

مهم است. یعنی ما باید در ارائهٔ درس به همهٔ ابعاد دانش آموز توجه داشته باشیم.

فراموش نکنیم، معلم در این نگاه فقط مصرف‌کنندهٔ علم نیست، بلکه براساس شرایط محیطی و ویژگی‌های مخاطبان، و نیز دانش خود، تولیدکنندهٔ علم است. در این نگاه تحولی، تمام فضاهای زندگی، فضای یادگیری هستند.

کلاس یکی از محیط‌های یادگیری است و یادگیری در فضاهای بیرون از کلاس، در فضای طبیعی زندگی انسان‌ها، اثربخشی بیشتری دارد. در این رویکرد، مهم‌ترین اصل برای آموختن، عمل است. بر این اساس، در تهیهٔ این ویژه‌نامه سعی کردیم در کنار توجه به مسائل نظری در زمینهٔ پایهٔ تأسیسی سال ششم ابتدایی، از طریق عمل کردن بیاموزیم تا آنچه را به شما همراهان و همگامان این اقدام ارزشمند ارائه می‌دهیم، آزموده باشیم. تمام سعی ما این بود که آنچه را عمل کرده‌ایم، توصیه کنیم. چرا که اصل عمل به ما می‌گوید اگر برای چیزی راه عمل کردن یافتیم، آن را بیاموزیم. آنچه که به عمل پیوند نمی‌خورد، یاد گرفته نمی‌شود. ارزش یاد گرفتن هم ندارد. به همین دلیل، برای اینکه بخواهیم عمل کنیم، بار سفر بستیم و تمام اردیبهشت ماه، در چند منطقه از کشور عزیزمان، براساس رویکردی که بیان شد، به کنار شما آمدیم و از شما، به هنگام عمل، آموختیم. این بهترین سوغات از این سفر علمی- عملی برای ما بود.

آنچه در این ویژه‌نامه می‌خوانید

برای همراه شدن شما با برنامهٔ سال ششم ابتدایی سعی کردیم مطالبی که تهیه می‌کنیم، صرفاً نظری نباشد. بر همین اساس در این ویژه‌نامه، جایی به ضرورت تغییر پرداخته‌ایم و جایی دیگر، کلیات برنامهٔ درسی ملی را آورده‌ایم. حوزه‌های یادگیری در برنامهٔ درسی ملی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که با آن آشنا می‌شویم. همچنین سال ششم ابتدایی در کشورهای دیگر بررسی و دلایل و ضرورت وجود این پایه براساس نگاه روان‌شناختی تبیین شده است. برای آشنایی با ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره، با روان‌شناسی ششم ابتدایی آشنا خواهید شد. نکات مهمی را که بعضی از مؤلفان محترم کتاب‌های درسی، در زمینهٔ محتوای کتاب‌ها برای شما نوشته‌اند نیز آورده‌ایم تا با مطالعهٔ آن‌ها دید بهتری برای تدریس این مطالب داشته باشید.

زمانی که قرار شد برای سال ششم ابتدایی ویژه‌نامه تهیه شود و توفیق مشارکت در این طرح بزرگ ملی نصیب گروه ما شد، بارها اسناد بالادستی را مطالعه کردیم تا بتوانیم آنچه را درخور شأن و منزلت شماس، تهیه کنیم.

امروزه در آموزش و پرورش اقدام مهمی در حال وقوع است که اگر خوب درک نشود و شناخته به آن عمل شود، آسیب‌های فراوانی را به وجود خواهد آورد که جبران آن بسیار سخت و طولانی خواهد بود. چرا که بزرگ‌ترین خطر هنگام به وجود آمدن تحول، خود تحول نیست، بلکه اجرای آن با روش دیروز است. چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: تحول یک حرکت ریشه‌ای است و شماها می‌توانید بکنید و باید این کار بشود. آن تحول مورد نظر چیزی است عمیق‌تر و بنیانی‌تر. (۸۶/۵/۳)

یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین مفاهیم در برنامهٔ تحول بنیادین، توجه به «جایگاه معلم» است که او را فردی خردمند، فکور و فرهیخته می‌داند. با این نگاه، هر معلمی، مدیر و کارفرمای فعالیت خود است؛ یک برنامه‌ریز تربیتی و آموزشی. دوستان! تغییر و تحول یک فرصت است که باید با برنامهٔ مشخص و در جهت درست آن ایجاد شود و ضرورت این امر «یادگیری مستمر و به روز است».

تمام هنر مدیریت و رهبری معلمان و همهٔ فرایندها و فرآوردها باید در خدمت رشد و توانمندسازی بیش از پیش دانش‌آموز قرار گیرد تا او به واسطهٔ تعقل، ایمان، اخلاق و علم و عمل توانمندی‌های دانشی، نگرشی و مهارتی بتواند در جامعهٔ فردا فعال و نقش‌آفرین باشد. بدون تردید، شرط ورود به این الگوی «تربیتی» می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط با خود، خدا، خلقت و خلق خدا باشد. روش یادگیری مستمر و ارزشیابی مستمر از خود، زمانی در مسیر درست حرکت می‌کند که در سرزمین فطرت قرار گیرد و این مسیر، مسیری است که در آن ارزشیابی و پیشرفت فردی محقق می‌شود. برای این مسیر ارزشمند نسخهٔ واحدی وجود ندارد. چرا که موقعیت‌ها و شرایط متفاوت است و معلمان به عنوان افرادی خردمند و فکور می‌توانند طرح مورد نیاز را براساس شرایط برای خود طراحی کنند. توجه به تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی از مهم‌ترین وظایف آموزش و پرورش است که باید کانون تمام اهداف قرار گیرد. در این نگاه، براساس رویکرد تلفیقی، توجه به همهٔ ابعاد دانش‌آموز

در سفر حس کردیم...

در سفر به منطقه سیلوانا و اشنویه بیشتر باورمان شد که آموزش و پرورش بیش از هر چیز بر پایه وجود فضای دوستانه و صمیمی بین همکاران، معلمان و دانش آموزان بنا شده است. زیبایی رفتار معلمان چنان کاممان را شیرین کرد که فراموشمان نخواهد شد.

در بابلسر دریافتیم که مدرسه زندگی می‌کوشد با تمرکز بر موضوع مهم روابط فرد با محیط زندگی به تربیت بپردازد. مدرسه زندگی می‌تواند با تمرکز بر روابط فردی و بین فردی، محیطی لذت بخش فراهم کند تا در آن، فرد با شناخت هیجانات خود، اداره کردن این هیجانات، برانگیختن خود، تشخیص هیجانات در دیگران و اداره کردن روابط، به یادگیری خود نظم بخشد.

در چابهار دیدیم، مدرسه تنها مکانی است که می‌تواند نواقص را اصلاح و شایستگی هیجانی و اجتماعی را در دانش آموزان ایجاد کند. کلاس درس جایی است که دانش آموزان آن، زندگی و مهارت‌های لازم برای حفظ آن را می‌آموزند.

در سفر به کلات نادری متوجه شدیم، اگر عینک‌های غبار غفلت گرفته را خوب پاک کنیم تا بتوانیم دنیای شیرین بچه‌ها را ببینیم، متوجه می‌شویم که بچه‌ها مدرسه را برای زندگی امروزشان می‌خواهند و ما بزرگ‌ترها آن را محیطی به منظور آماده‌سازی بچه‌ها برای زندگی فردا. بچه‌ها فقط برای یادگیری به مدرسه نمی‌آیند، آن‌ها به مدرسه می‌آیند تا زندگی کنند و چقدر زیبا و خلاقانه مسائل زندگی را واکاوی و حل می‌کنند، اگر به آن‌ها فرصت دهیم.

در بیرجند حس کردیم که بچه‌ها از دانش و معرفت، مفهوم روشنی در ذهن خود ندارند. اما حس کنجکاوی آنان موتور محرکه یادگیری‌شان است. آنان می‌آیند تا به حس کنجکاوی خود پاسخ دهند، با دوستانشان ملاقات کنند و آنچه را در خانه نمی‌آموزند، در مدرسه بیاموزند.

در شهریار به یقین رسیدیم که مدرسه زندگی، همان است که باید رغبت زندگی کردن بچه‌ها را با انگیزه تربیت کردن بزرگ‌ترها آشتی دهد. به طوری که همه آن‌ها از حضور هم دلگرم شوند و مانند یک خانواده، در تلاشی دسته جمعی، به رغبت‌ها و انگیزه‌های همدیگر پاسخ دهند. در این سفرها مشاهده کردیم، بچه‌ها هر جا و هر طور راحت‌تر بنشینند، بهتر به درس گوش می‌دهند و بهتر یاد می‌گیرند. رفتار بچه‌ها تماشایی بود. لذت یادگیری در فعالیت‌های آن‌ها برای ما موج‌هایی ایجاد کرد که در آن غرقه بودیم و گذشت زمان را متوجه نمی‌شدیم. ما هنوز که هنوز است با انرژی دریافتی از این موج‌ها هر روزمان را شروع و کام خود را با خاطرات آن همچنان شیرین می‌کنیم. هنوز در آن موج‌ها جاری و شناوریم و کوله بارمان را هر روز با یاد آن روزها باز و بسته می‌کنیم. سوغات ما از این سفرها پیشکشی است برای شما.

در پایان، برای توفیق در این مسیر ارزشمند، از خداوند پنج خواسته داریم: شرح صدر، آسان شدن کار، قابل فهم بودن سخن، همکاری شایسته و مداومت در الهی بودن هدف.